



روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران یک‌شنبه ۷ دی ۱۴۰۴ - ۷ رجب ۱۴۴۷ سال بیست‌وهفتم - شماره ۷۴۸۷ - ۱۶ صفحه قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

یادداشت اجتماعی
مپساگر بندگی | خبرنگار گروه اجتماعی

مأموریت عدالت جهانی بر دوش جوان ایرانی

پیام حضرت آیت‌الله خامنه‌ای به نشست اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در اروپا نه تنها خبر از پیروزی می‌دهد، بلکه روحیه امید و عزت را در دل جوانان زنده می‌کند | **صفحه ۳**

یادداشت سیاسی
سید عبدالله متولیان

چالش با ایران سانسور یفیوژ نیست استقلال خواهی است

ایران متهم به یک پرونده فنی نیست، ایران متهم به ایستادگی در برابر یک نظم ناعادلانه جهانی است. غرب می‌کوشد نزاع را به موضوعی تکنیکی و محدود در چارچوب هسته‌ای تقلیل دهد، اما حقیقت آن است که جمهوری اسلامی پرچم عدالت خواهی را در برابر نظام سلطه برافراشته و همین حقیقت، قدرت‌های فاسد و سلطه‌گر را دچار آشفتگی کرده‌است | **صفحه ۲**

یادداشت سیاسی
مصطفی قربانی

آرایش مناسب در برابر جنگ رسانه‌ای دشمن

رسانه‌های کشور باید به‌صورت جبهه‌ای و با یک تقسیم‌کار هدفمند در برابر جنگ رسانه‌ای دشمن فعالیت کنند تا ابزار رسانه را از دست دشمن بگیرند. امیدآفرینی و نگاه خوش‌بینانه نسبت به آینده و تصویرسازی مطلوب و مقتدرانه از کشور در صدر اقداماتی است که این رسانه‌ها باید انجام دهند. یکی از مهم‌ترین شرط‌های موفقیت در این زمینه، توجه به جهان‌زیست متحول جامعه ایران و رعایت الزامات آن می‌باشد | **صفحه ۲**

یادداشت اقتصادی
وجید عظیم‌نیا | دبیر گروه اقتصادی

ارمغان گرانی مالیات ارزش افزوده

یکی از موضوعات محل بحث، پیشنهاد افزایش نرخ مالیات بر ارزش‌افزوده به ۱۲ درصد است. این تصمیم راهکاری سریع برای تأمین منابع دولت معرفی می‌شود اما در صورت تصویب نهایی، فشار گسترده‌ای بر قدرت خرید خانوارها تحمیل خواهد کرد و آثار آن به تدریج در همه لایه‌های اقتصادی و اجتماعی کشور ظاهر خواهد شد | **صفحه ۴**

یادداشت حوادث
حسین فصیحی | دبیر گروه حوادث

زیر بازار تهران چه می‌گذرد؟

بازار بزرگ تهران، نماد نبیض اقتصادی پایتخت و یکی از پررفت‌وآمدترین نقاط شهری، این روزها با واقعیتی هولناک روبه‌روست؛ واقعیتی که نه در ویرترین مغازه‌ها، بلکه در عمق زمین پنهان شده‌است. کشف هزاران متر حفاری و تونل زیر این محدوده تاریخی، پرسشی بنیادین را پیش‌روی افکار عمومی می‌گذارد؛ چگونه ممکن است طی بیش از یک دهه، چنین حجمی از دست‌اندازی به بی‌سستر زمین، درست زیر پای روزانه هزاران شهروند، شکل بگیرد و بی‌صدا پیش برود؟ | **صفحه ۱۴**

یادداشت ورزشی
شیوا نوروزی | خبرنگار گروه ورزشی

هک اطلاعات شعبده جدیدلیگ برتر

هک شدن سیستم‌های باشگاه پرسپولیس اتفاقی مهم، تلخ و خطرناک بود که متأسفانه مدیران باشگاه و دیگر مسئولان فوتبال با بی‌خیالی و بی‌اهمیتی از کنارتش عبور کردند. طبق خبر منتشر شده، یک گروه هکری به اطلاعات محرمانه باشگاه دست یافته و گفته می‌شود اطلاعات بیش از ۱۰۰ قرارداد و مدارک هویتی همه اعضای باشگاه در اختیار این گروه قرار دارد. هکرها برای آنکه ثابت کنند ادعایشان الکی نیست، بخشی از مدارک هویتی اعضای تیم را منتشر کردند | **صفحه ۱۳**

تهاجم سنگین امریکا مغلوب شجاعت جوانان ما شد

رئیس‌جمهور در گفت‌وگو با رسانه Khamenei.ir: **صرفه‌جویی ۱۰درصدی کل مشکلات اقتصادی را حل می‌کند**

برنامه ۲۰بندی معیشت داریم

صفحه ۲ | Khamenei.ir

سومالی سازی خاورمیانه به نفع اسرائیل رژیم به رسمیت شناخته نشده، بخشی از یک کشور را به رسمیت شناخت
مدت‌هاست که بحث تجزیه خاورمیانه به واحدهای کوچک‌تر که گاهی «کانتون» نامیده شده‌اند، مطرح است. ظاهراً این ایده را اولین بار، ادیت پیتون، روزنامه‌نگار و نویسنده اسرائیلی در دهه ۱۹۸۰ به عنوان یک طرح استراتژیک برای تقسیم کشورهای بزرگ به واحدهای کوچک‌تر مطرح کرده تا واحدهای سیاسی قابل کنترلی» شکل بگیرند که نمی‌توانند علیه اسرائیل متحد شوند. دیروز بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل با به رسمیت شناختن سومالیلند به عنوان یک کشور مستقل، این طرح را کلید زد؛ منطقه‌ای ۱۳۰ هزار کیلومتر مربعی در شمال غربی سومالی که بعد از فروپاشی دولت مرکزی در سومالی در سال ۱۹۹۱ اعلام خودمختاری کرده ولی تا روز شنبه هیچ کشوری آن را به رسمیت نمی‌شناخت. احتمالاً خیلی‌ها، کماکان با برچسب توهم، توطئه، طرح هیچ‌کس دیگری آن را به رسمیت نشناخته‌است. تجزیه خاورمیانه به کانتون‌های کوچک‌تر را

ر د می‌کنند، ولی حوادث دو سال گذشته ثابت کرده که خیلی از حوادث در چارچوب تئوری توطئه قابل توضیح دادن است. این اولین بار در نزدیک به ۸۰ سال گذشته است که اسرائیل یک سرزمین به رسمیت شناخته نشده در خارج از سرزمین‌های اشغالی را به عنوان یک کشور مستقل به رسمیت می‌شناسد در حالی که عملاً هیچ‌کس دیگری آن را به رسمیت نشناخته‌است. بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی

۷دهه تا ایران ۴۰میلیونی
وزیر کشور: در صورت تداوم روند فعلی جمعیت کشور تا سال ۱۴۸۰ به کمتر از ۴۰ میلیون نفر خواهد رسید **زهرا چخچری** | خبرنگار گروه اجتماعی

«ایران ۴۰ میلیون نفری» سناریویی است که با تداوم نرخ فعلی رشد جمعیت کشورمان در کمتر از ۱۰۰ سال آینده رخ می‌دهد. این بار وزیر کشور درباره سقوط جمعیت کشورمان هشدار داد. به گفته اسکندر مومنی بر اساس گزارش‌های رسمی وزارت بهداشت، در صورت تداوم روند فعلی، جمعیت کشور تا سال ۱۴۸۰ به کمتر از ۴۰ میلیون نفری رسیده، آن هم در شرایطی که طبق پیش‌بینی‌ها برخی از کشورهای همسایه ما جمعیتی بیش از ۴۵۰ میلیون نفر خواهند داشت! این سقوط جمعیتی نه فقط تبعات اقتصادی و اجتماعی دارد، بلکه می‌تواند امنیت جامعه ایران را هم به خطر بیندازد | **صفحه ۳**



عرض خود می‌بری و زحمت ما می‌داری
فریدون حسن | دبیر گروه ورزشی

جناب زنسوزی، نگران مردم آذربایجان و ترک‌زبان هستی؟ گویا یادتان رفته که شما سنگ‌بنای توهین‌ها را در ورزشگاه تبریز گذاشتید، وقتی که اجازه دادید در ورزشگاه تبریز شعار قومیتی سر بدهند. شما سنگ‌بنای توهین را گذاشتید، وقتی به بزرگان فوتبال ایران در ورزشگاه تبریز اهانت شد و بدتر از آن، وقتی که

سیاسی

تهاجم سنگین امریکا مغلوب شجاعت جوانان ما شد

صفحه ۲ | Khamenei.ir

سومالی سازی خاورمیانه به نفع اسرائیل رژیم به رسمیت شناخته نشده، بخشی از یک کشور را به رسمیت شناخت
مدت‌هاست که بحث تجزیه خاورمیانه به واحدهای کوچک‌تر که گاهی «کانتون» نامیده شده‌اند، مطرح است. ظاهراً این ایده را اولین بار، ادیت پیتون، روزنامه‌نگار و نویسنده اسرائیلی در دهه ۱۹۸۰ به عنوان یک طرح استراتژیک برای تقسیم کشورهای بزرگ به واحدهای کوچک‌تر مطرح کرده تا واحدهای سیاسی قابل کنترلی» شکل بگیرند که نمی‌توانند علیه اسرائیل متحد شوند. دیروز بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی

۷دهه تا ایران ۴۰میلیونی
وزیر کشور: در صورت تداوم روند فعلی جمعیت کشور تا سال ۱۴۸۰ به کمتر از ۴۰ میلیون نفر خواهد رسید **زهرا چخچری** | خبرنگار گروه اجتماعی

خاتون در دادگاه به اتهام تبدیل خانه‌اش به پاتوق خلافکاران و نگهداری موادمخدر محاکمه شد. قضات دادگاه با توجه به شواهد و مستندات، او را به چند سال حبس محکوم کردند. این زن پس از ورود به زندان تصمیم گرفت مسیر زندگی‌اش را تغییر دهد، او با شرکت در فعالیت‌های خیرخواهانه و کمک به



ارسال بیش از ۳۵ هزار اثر هنری از ۴۷ کشور **جایزه جهانی اربعین وحدت‌آفرین بین‌ملت‌ها**

حجت الاسلام دکتر سیدمصطفی حسینی نیشابوری، رئیس جایزه جهانی اربعین، این دوره جایزه پراکندگی جغرافیایی خوبی داشته است و در حوزه برگزیدگان نیز تنوع خوبی را شاهد بودیم. هم از حیث کمیت و هم از حیث کیفیت روند خوب و مثبتی را طی کرده‌ایم، البته هنوز جای کار دارد و می‌توان بیش از این برای



پاسخ مولانا به نظری

غلامرضا صادقیان | سربیر
استاد شهرام ناظری در دانشگاه سلجوق ترکیه مولانا را به ترکیه بخشیده است! در دو سطح می‌توان سخنان او را نقد کرد، سطح عامه‌پسند و البته صحیح و منطقی و دعوت به صبوری و عقلانیت، و سطح دوم از زبان خود مولانا آقای ناظری گفته است: «اگر مولانا در ایران بود، از بین رفته بود، باید از تر که‌ها، دولت و مردم ترکیه تشکر کنیم که مکتب مولانا را حداقل نگه داشتند». در سطح عامه‌پسند می‌توان گفت اگر قرار باشد درباره «مکتب مولانا» غیر از مولاناشناسان مشهور معاصر کسی سخنی بگوید و ما بپذیریم (مثلاً یک خواننده هر چند مطاعلانی هم درباره مولانا داشته باشد)، استاد شجریان دقیقاً خلاف این را گفته و ترکیه را غارتگر مولانا معرفی کرده است و اتفاقاً همگان معترفند که استاد شجریان به نسبت دیگر خوانندگان اشراف بیشتری بر فرهنگ ادبی و عرفانی ما داشت و دلایل آن هم انتخاب دقیق و شگفت‌انگیز برخی غزل‌ها برای او است. او درباره مولانا می‌گوید: «مولانا در ترکیه یک سمبل اقتصادی شده و تر که‌ها نماد فرهنگی ما را غارت کردند. یک شناسنامه جعلی برایش ساختند به نام رومی با اینکه مولانا بلخی بود، و بسیار بدتر از آن از مولانا چیزی ساختند که خود مولانا خلاف آن را می‌خواست؛ پله‌هایش را می‌بوستند و سینه‌خیز می‌روند تا قبرش که مراد بدهد، مگر ما با حافظ و سعدی چنین می‌کنیم؟»

در ایران هیچ‌یک از مولاناشناسان بزرگ حتی در دوران مدرن یکصد سال اخیر ادعا نکرده‌اند که «اگر قبر مولانا در ایران بود، مکتبش از بین می‌رفت»! توجه کنید که وقتی آقای ناظری می‌گوید «اگر مولانا در ایران بود» به چه چیز جز قبر او اشاره می‌کند؟! خود مولانا و مثنوی و دیوان شمس و قیسه‌ماقیه همگی در ایران زنده و پویا هستند، نه در ترکیه. ترکیه‌ها جز یک سود تجاری از تور بیسم قونیه به نسبت دیگری با مولانا دارند؟ مگر زنده‌بودن به مزار و حتی به نسل و وره له است؟ وقتی چند سال پیش خامنی که نسل بیست دوم مولانا بود به ایران آمد، شما احساس کردید که مولانا را در یافته‌اید؟!

حسرت و غبن ما در دنیای ارتباطات آن است که حرف آقای ناظری به سرعت همه‌جا را پر می‌کند ولی در ایران شاید یک هزارم آنان که مخاطب این حرف قرار می‌گیرند، حتی اسم مولاناشناسان معاصر مثل استاد خرماشاهی یا استاد کریم زمانی را نشنیده باشند. استاد زمانی یکی از معروف‌ترین و کامل‌ترین شرح مثنوی را دارد که در هر بیت و بخشی علاوه‌بر نگاه خود، تفسیر بزرگان تاریخ از خوارزمی (حسین خوارزمی که از نخستین شارحان مثنوی بود، نه خوارزمی ریاضی‌دان) تا عبدالرحمان جامی تا گولپینارلی و اکبرآبادی و انقروی و رینولد نیکلسون و آنهماری شیمل را در شرح بزرگ خود یاد آور شده است. ما در میان معاصران هم علاوه‌بر مرحوم علامه محمدتقی جعفری، بسیاری دیگر را داریم که یک صدم کار آنان را در زنده‌نگه‌داشتن مکتب مولانا کسی در ترکیه انجام نداده است. پس شاید وقتی آقای ناظری می‌گوید «مکتب مولانا» چیزی من در آوردی در ذهن دارد که ما از آن بی‌خبریم. چیزی شبیه پر داشت سطحی و غیرواقعی الیف‌شاکاف نویسنده ترک در ملت عشق.

در همین سطح عامه‌پسند می‌توان گفت شاید اگر گوینده آن سخنان به جای

ترکیه در افغانستان هم بود، چیزی می‌گفت که آنان را خوش آید. یاد در این سال‌ها که گفته می‌شود مثنوی از پرفروش‌های امریکاست، کسی در امریکا هم ممکن است بگوید شماها مکتب مولانا و مثنوی را زنده نگه داشته‌اید!

اما از زبان مولانا بهتر است بدانیم که مکتب مولانا چنان است که بسا کسان را

گمراه کرده است! «دیدنی تن دایم آن‌تن‌بین بود/ دیده‌ای جان پر فتن بین بود/ پس ز نقش لفظ‌ها مثنوی/ صورتی ضال است و هادی معنوی/ در نبین (قرآن) فرمود کاین قرآن ز دل/ هادی بعضی و بعضی را مضل/ الله الله چونک عارف گفت می/ پیش عارف کی بود معذوم شی/ وقتی عارف می‌گوید شراب! منظورش وجود شراب شیطانی که معذوم است نیست/ فهم تو چون باده‌ی شیطان بود/ کی ترا وهم می‌رحمان بود.»

اگر مثنوی شانس بودیم و پیرو مکتب مولانا می‌دانستیم که مثنوی او برای ایجاد افتراق بین ایران و ترکیه تا بین این قوم و آن قوم و این ملت و آن ملت نیست، «مثنوی ما دکان وحدت است/ غیر واحد هر چه بینی آن بت است/ هر دکانی راست سودایی دگر/ مثنوی دکان فقر است ای پسر/ بت ستودن پهر دام عامه را/ هم چنان دکان کالغرائق العلی» «مولانا می‌گوید اگر برای جلب‌نظر عوام از بت‌ها ستایش کردی، مانند ماجرای غرائق (مغرایان سفید بلندپرواز) است که یک روایت جعلی درباره جاری‌شدن برخی الفاظ شیطانی حین نزول و قرأت این آیات نوزدهم سورۀ نجم بود، آیا نباید نگران بود که کسانی برای جلب‌نظر عوام از بتی مثل دولت ترکیه کنونی ستایش کنند؟!

برای مولانا تأملیر غیر معنوی، کوه‌بازاری، رمانتیک و غیردینی که مبتنی بر آموزه‌های اصل پیامبر رحمت نباشد، نپذیرفتنی و مردود است. مولانا در دفتر سوم آن‌جا که دین اسلام را پاینده و نامیر می‌نامد، همان‌جا «مکتب مولانا» را معرفی می‌کند که این مکتب، «مکتب بیداری دل» است تا هیچ‌کس از کسان نتواند الی‌الابد در آن تغییری دهد. «مصطفی را وعده کرد ا‌لطف‌الحق/ گر بمیری تو نمیرد این سبق/ امن کتاب و معجزه‌ت را/ افعم/ آبیش و کم‌کن راز قرآن مانعم/ گفت پیغامبر که خسبد چشم من/ الیک کی خسبد دلم/ اندر وسن (خواب کوتاه) شاه‌یاد است، حل خفته‌گیر/ اجان فدای خفتگان دل بصیر/ وصف بیداری دل ای معنوی/ در نکتجدر هزاران مثنوی. «همین مولانا‌ی ما در دفتر ششم می‌آموزد که مکتبش، معنویت خالص است و پس «اگر شدی عظمیان بحر معنوی/ افرج‌جای کن در جزیری مثنوی/ افرجه کن چندالک اندر هر نفس/ مثنوی را معنوی بینی و پس.

هشدار واقعی را باید به کسانی داد که در کارهای فرهنگی به لعبت و بیهوده مشغولند، و نمی‌بینند که برخی این روزها مدعی جامعه‌غیردینی ایران می‌شوند و برخی مدعی مکتب مولانا من می‌دانم که وقتی برخی استادان موسیقی و روشنفکران مدرن از مکتب مولانا سخن می‌گویند اشاره آنان به چیست و چه در سر دارند! ما مگر می‌توان با این مثنوی زنده، دست به تحریف آن زد. جلال‌الدین خود به صریح‌ترین وجه ممکن پاسخ داده است و تفکرات ماتر بالیستی و فیزیکالیستی و طبیعت‌گرایانه (نجرالیستی) را که این روزها بر متن و حاشیه تفکرات عالمانه سلا به انداخته‌است، بر باد می‌دهد. «ای طبیعی، فو قطع این ملک بین/ یا بیا و محو کن از مصحف این» می‌گوید ای طبیعت‌ت را یا بیا سلطه‌ی معجزات خدا و مشیت خدا را در طبیعت موجودات ببین یا بیا قصه‌های قرآنی را که این معجزات را اثبات می‌کند، محو کن». اما تو از این کار عاجزی و بنگر که این عجزت از کجاست. «عاجزی و خبره‌کن عجز از کجاست/ عجز تو تابی از آن روز جزا است». مولانا اما برای این عجز و حیرت انسان‌ها ارزش شایسته می‌دهد! کسی که به عجز خود مقابل دین الهی که چیزی غیر از طبیعی‌گرایی آنان است، پی می‌برد مانند کسانی هستند که در سایه لطف خدا آمده‌اند و اینان دست آخر، «دین عجایز» یعنی دین فطری و بدون بحث و تسلیم‌پذیر بیزرئان را کسب می‌کنند. «خرم آن کین عجز و حیرت قوت اوست/ در دو عالم خفته اندر ظل دوست/ هم در آخر عجز خود را او بدید/ مرده شد دین عجایز را گزید». این حرف‌های مولانا را می‌پسندید یا نمی‌پسندید مهم نیست. مهم آن است که در عصر حاضر که اتفاقاً طبیعی‌گرایی مشرب اصلی فلسفی شده است، نباید به مولانا چنگ آویخت و برای او مکتب تازه تراشید.

مولانا آن کسی است که اگر در میان مکاتب علمی کنونی بگویید او برای یک

معرفت دانش دیگر که «بخشش خدا» است و در میان سینه می‌جوشد، جای

مهمی در تفکر خودش دارد، شما و او را تکفیر می‌کنند. «قل دیگر بخشش یزدان بُود/ چشمه‌ی آن در میان جان بُود/ چون ز سینه آب دانش جوش کرد/ نه شود گنده نه دیرینه نه زرد». پس مولانا را بشناسید و بشناسانید تا گرفتار تعجید بیگانگان برای مکتبی که از آن بیگانه‌اند نیابستیم.

زندگی مولانا‌یی می‌خواهید؟ جامعه مولانا‌یی می‌طلبید؟ موسیقی و هنر مولانا‌یی را مدعی هستید؟ او حرف آخرش این است: «زندگی در مژدن و در

محنت است/ آب حیوان در درون ظلمت است». جامعه و زندگی مولانا‌یی در کشتن نفسانیت و تحمل شدائد و رنج دنیا از طریق کف‌نفس و پرهیزگاری است، چنانکه آب حیات خضر نیز درون تاریکی است. این است مکتب مولانا.

آن را در تجارخانه‌های ترکیه و آنچه تر که‌ها و دیگران می‌خواهند در یونسکو و مراکز دیگر به اسم خود ثبت کنند، تجویبید.